

اشاره:

ماه گذشته اولین سری از صفحه جدید «نبوغ آشنا» را در همین صفحه ملاحظه کردید. این ماه سراغ سید امیر سعادت موسوی رفته‌ایم که در سنین نوجوانی و جوانی عناوین بسیاری بدست آورده و برای خودش نابغه‌ای محسوب می‌شود نابغه‌ای که به‌عنوان سرپرست تیم‌های المپیاد دانش‌آموزی به مسابقات جهانی اعزام می‌شود.

حمیده رضایی

یک چیزی تو می‌دانی؟



سیدامیر سادات موسوی هستم، اهل شهرستان ملایر.

۵ مهر ۱۳۶۹ متولد شدم و دوران کودکی و نوجوانی را در بندرعباس، ملایر و همدان سپری کردم. اکنون هم دانشجوی سال آخر کارشناسی فیزیک در دانشگاه صنعتی شریف هستم.

سوابق:

- سال ۱۳۸۶: کسب مدال طلای المپیاد ملی نجوم در باشگاه دانش‌پژوهان جوان
- سال ۱۳۸۶: کسب مدال طلای المپیاد جهانی نجوم در اکراین و کسب بالاترین نمره
- سال ۱۳۸۷: کسب مدال نقره المپیاد جهانی نجوم و اخت‌فیزیک در اندونزی
- از سال ۱۳۸۷ تاکنون: نویسنده مطالب نجومی و تاریخ‌علمی در مجله «رشد جوان» و «رشد نوجوان»
- سال ۱۳۸۷: اجرای بخش «بوم‌سفید و کهکشان‌ها» در برنامه «بوم سفید» از شبکه جام‌جم

- سال ۱۳۸۸: دبیر کمیته دانشجویی سومین المپیاد جهانی نجوم در ایران
 - سال ۱۳۸۹: انتشار کتاب «گنجینه المپیاد نجوم»، انتشارات رزمندگان اسلام (با همکاری خانم الهه‌سادات نقیب)
 - سال ۱۳۸۹: شرکت در چهارمین المپیاد جهانی نجوم و اخت‌فیزیک در چین به عنوان ناظر علمی
 - سال ۱۳۸۹: کسب دیپلم افتخار در سیزدهمین دوره رقابت بین‌المللی فیزیک «رادلف آرتوای»
 - از سال ۱۳۸۹ تاکنون: همکاری با دفتر طنز حوزه هنری
 - سال ۱۳۹۰: شرکت در پنجمین المپیاد جهانی نجوم و اخت‌فیزیک در لهستان به عنوان ناظر علمی
 - سال ۱۳۹۰: کاندیدا در دو بخش شعرطنز و فیلم‌نامه طنز در جشنواره طنز مکتوب
- اگر شما هم مثل ما چشم‌تان دارد از حلقه در می‌آید، بهتر است همین حالا بروید و آبی به صورت‌تان بزنید و زود برگردید. شاید با خواندن ادامه حرف‌های این جوان مخ‌تان، کمی از شوک در بیاید و ببینید وقتی در نوجوانی با پای یخ زده خیره به ستاره‌ها شوی، بی‌شک در جوانی یک چیزی خواهی شد؛ توی همین مایه‌ها!

پاهایم درون کفش‌هایم یخ زده بود.

از
اول دبیرستان به صورت جدی به درس فیزیک علاقمند بودم. با توجه به این‌که در مدرسه سمپاد (استعدادهای درخشان) تحصیل می‌کردم، معلم‌های ما درس‌های پایه را در سطح بالاتری به ما آموزش می‌دادند و همین موضوع راه را برای پیشرفت ما هموار کرد. بعد از سال دوم دبیرستان، تصمیم گرفتم که توجه خودم را معطوف به المپیاد نجوم کنم. در آن زمان خانواده ما در شهر همدان زندگی می‌کرد و من هر هفته به رصدخانه «ابن‌صلاح» همدان می‌رفتم. هرگز شب‌های برفی و سردی را که با مشقت خود را به رصدخانه که بر روی یک تپه قرار داشت، می‌رساندم، فراموش نمی‌کنم. آن روزها جزء شیرین‌ترین روزهای عمر من است. به سختی از روی برف‌ها بالا می‌رفتم و در طول مسیر چندین بار سر می‌خوردم و به زمین می‌افتادم. تا این‌که عاقبت در حالی که پاهایم درون کفش‌هایم یخ زده بود، از پشت یک تلسکوپ به حلقه سیاره زحل چشم می‌دوختم. به هر حال لطف خداوند شامل حالم شد و در سال سوم دبیرستان پس از قبولی در مرحله اول و دوم المپیاد نجوم به دوره کشوری راه پیدا کردم و در آن‌جا موفق به کسب مدال طلا شدم.

با کسب مدال طلای کشوری دو بار به المپیاد جهانی اعزام شدم. در المپیاد جهانی نجوم و اخت‌فیزیک (IOAA) مدال نقره گرفتم و در المپیاد جهانی نجوم (IAO) موفق به کسب مدال طلا و بالاترین نمره مسابقات شدم.

دعای خیر والدین

توجه ویژه‌ای که
دین ما نسبت به احترام به
والدین دارد، مسأله ساده و پیش
پا افتاده‌ای نیست. چگونه انسان
می‌تواند مسیر پیشرفت را بدون یاری
خلیواتش طی کند؟ امیدوارم که همه
ما قدر دان پدر و مادر خود باشیم
و دعای خیرشان همواره
همراه ما باشد.

سنم ۱۰۷ ساله بیشتر شد!

من
عاشق مسافرت هستم.
البته شاید نگاه من به سفر، کمی
با نگاه دیگران متفاوت باشد. مثلاً من سال
گذشته بعد از آن که دوستی در پاکستان پیدا کردم،
تصمیم گرفتم که سفری به این کشور داشته باشم. بعد از
تحقیقی درباره خطرهای احتمالی این سفر، از طریق زاهدان
به صورت زمینی راهی پاکستان شدم. یک سفر دو هفته‌ای
بسیار خاطره‌انگیز و آموزنده را پشت سر گذاشتم. وقتی از
پاکستان به ایران برگشته بودم، احساس می‌کردم که سنم
۸،۷ سالی بیشتر شده‌است. کلاً این سفر خیلی نکات
مفید برایم داشت. الان مشغول ویرایش خاطرات
آن سفر هستم که انشاءالله به‌زودی منتشر
خواهد شد.

آرمان‌های بزرگ قدیم

سال
اول دبیرستان را به یاد
می‌آورم که با جمعی از دوستان مدرسه برای
یک مسابقه قرآنی به مسابقات اعزام شده بودیم. یک‌بار
که در اردوگاه محل مسابقات مشغول صحبت بودیم، یکی از
دوستانم این سؤال را مطرح کرد: «هدف نهایی شما توی زندگی چیه؟»
آن روز هر کدام از ما با نگاه خودش به این پرسش پاسخ گفت و هر کس با
زبان و الفاظ خودش منظورش را بیان کرد. بعد از این که همه حرف‌ها زده‌شد،
من دیدم که انگار همه ما به نوعی در پی این هستیم که انسان کاملی بشویم
و بتوانیم هرچه بیشتر خود را به آن چه خداوند از ما خواسته‌است، نزدیک کنیم.
حالا که پس از هفت سال، به آن روزها و حرف‌های آن روز فکر می‌کنم، از خودم
می‌پرسم: چه می‌شود که ما به مرور در پیچ و خم زندگی مان، هدف اصلی و رسالت
نهایی مان را فراموش می‌کنیم؟
انگار که به مرور در زندگی حل می‌شویم و دیگر آرمان‌های بزرگ قدیم
خود را فراموش می‌کنیم. به هر حال از خدا می‌خواهم که ما را هرچه
بیشتر در مسیر هدایت و راهیابی قرار بدهد و مخصوصاً جامعه ما
را با اخلاق اسلامی عجین کند. به نظر من تنها در این
صورت است که راه رستگاری در برابر ما باز
خواهد شد.

پیشینه جسارت‌های علمی بشر!

۱ گر
انسان‌ها عظمت اهداف
خود را در نظر داشته باشند، محال است که
انگیزه خود را در مسیر زندگی از دست بدهند. بگذارید
یک مثال بزنم: من به واسطه علاقه‌ای که به این موضوع
دارم، چندین سال است که به صورت جدی مشغول مطالعه تاریخ
علم ملت‌های مسلمان شده‌ام. آشنایی با تاریخ علم، در واقع پیشینه
جسارت‌های علمی بشر را به ما نشان می‌دهد.
اگر گذشته‌مان را مرور کنیم، متوجه می‌شویم که مسلمانان غالباً ایرانی،
دست کم در یک بازه سیصدساله پرچم‌دار بلامنازع علم بر روی کره زمین
بوده‌اند. حالا به نظر شما چه می‌شود که مسلمانان آن روز با انگیزه بسیار بالا
در پی علم بودند، اما جوان‌های ایرانی این روزها یک مقدار در این زمینه
ناامید شده و ترقی را خارج از خاک کشورشان جستجو می‌کنند؟ به نظر
من یکی از مهمترین مسائلی که این انگیزه را از ما گرفته است،
فراموش کردن اهداف بلند و رسالت‌های بزرگ ماست و در
دنیای امروز هم یکی از مهمترین گمشده‌های ما
همین خودباوری است.

المپیاد جهانی نجوم و اختر فیزیک لهستان

بعد
از این که خودم به عنوان
دانش آموز در المپیاد جهانی شرکت کردم،
در باشگاه دانش پژوهان جوان مشغول به کار شدم.
باشگاه دانش پژوهان در واقع سازمانی است که مسئولیت
آماده‌سازی تیم‌های المپیاد را برای اعزام به مسابقات جهانی بر
عهده دارد. در دو سال گذشته من به عنوان یکی از همراهان تیم
ملی المپیاد نجوم، همراه با تیم به المپیادهای جهانی رفته‌ام. در این
مواقع هیچ چیز به اندازه موفقیت شاگردان، نمی‌تواند انسان را خوشحال
کند. مثلاً همین امسال که ما برای شرکت در المپیاد جهانی نجوم و
اخترفیزیک به لهستان رفته بودیم، در مسابقه گروهی، تیم ایران
توانست رتبه دوم را کسب کند که باعث خوشنودی ما بود. فکرش را
بکنید که بعد از اعلام نتایج، سرپرست یکی از تیم‌های خارجی
(تایلند) پیش من آمد و با اشتیاق از من پرسید: «شما
با دانش آموزان تان چه کار کرده‌اید که این طور در
امتحان گروهی موفق بوده‌اند؟»

نخبه‌ها از مریخ نیامده‌اند!

وقتی پای صحبت
بسیاری از جوانان کشورم می‌نشینم،
متوجه می‌شوم که علیرغم توانمندی‌های بالا،
یک نقطه ضعف در اغلب آن‌ها به چشم می‌خورد.
این نقطه ضعف نداشتن خودباوری است. انگار در نظر
آن‌ها، تمام کارهای بزرگ، کوه‌های دست‌نیافتنی و غیرقابل
وصولی هستند. باید دانست که هیچ کس نابغه متولد نمی‌شود
و کسانی که دست به کارهای بزرگ می‌زنند از مریخ نیامده‌اند.
شاید تنها تمایز برخی از آن‌ها با انسان‌های دیگر در همین
باشد که آن‌ها اعتماد به نفس داشته‌اند و خود را دست کم
نگرفته‌اند. ضمناً نباید فراموش کنیم که اگر ما در راه
درستی قدم برداریم و به خداوند توکل کنیم،
خداوند حتماً ما را یاری خواهد کرد.

